

بررسی و نقد تطبیقی روایت‌های ابن سعد در الطبقات الکبری با سایر منابع متقدم (مطالعه موردی فاطمه ع.ا.س. پس از پیامبر ص.ا.ع.)

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱

مصطفی گوهری فخرآباد^۱، مجتبی سلطانی احمدی^۲ و سارا خاتمی^۳

چکیده

گزارش وقایع زندگانی حضرت فاطمه ع.ا.س. پس از رحلت رسول خدا در منابع کهن تفاوت‌های اساسی دارد. یکی از قدیمی‌ترین آثار تاریخی در این باره کتاب *الطبقات الکبری* ابن سعد است که مهم‌ترین اثر برجای مانده در باب اصحاب و تابعان در سده‌های نخستین به شمار می‌آید. پژوهش پیش رو که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، با مقایسه اخبار و اطلاعات کتاب مذکور با دیگر منابع تاریخی در پی یافتن دیدگاه‌ها و گرایش‌های عقیدتی ابن سعد و نحوه گزارش وی در خصوص اخبار فاطمه ع.ا.س. است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ابن سعد با پایبندی بر اصولی همچون عدالت صحابه، عدم بیان اختلافات صحابه و ضرورت تفضیل شیخین، در بیان آنچه در تضاد با باورهای کلامی خود بوده، به حذف روایاتی پرداخته است که ناقض این موضوعات بوده‌اند. او از طرح مباحث اختلاف برانگیز، به ویژه اختلافات مربوط به

۱. استادیار دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول):

gohari-fa@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران:

msoltani94@pnu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور تهران، ایران:

khatami110@gmail.com

جانشینی پیامبر ﷺ و مسائلی که به بیماری و وفات فاطمه ؑ منجر شد، خودداری کرده است؛ در ماجرای مطالبه فدک از سوی فاطمه ؑ، ابوبکر را محق و پیرو شیوه رسول خدا ﷺ نمایانده و با طرح روایات ضعیف در کنار اخبار مشهور تاریخی، موضوع نارضایتی فاطمه ؑ از خلفای وقت را که منجر به دفن شبانه فاطمه ؑ در اعتراض به عملکرد آنان شد، کتمان کرده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۲

کلیدواژه‌ها:

الطبقات الکبری، ابن سعد، فاطمه ؑ، ابوبکر، اهل حدیث.

مقدمه

کتاب *الطبقات الکبری* ابن سعد که در بردارنده اخبار پیامبر ﷺ، صحابه، تابعین و دیگر شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام تا روزگار خود است، از مهمترین منابع جهت بررسی تاریخ دو سده نخست هجری است. محمد بن سعد از مورخان و محدثان مورد وثوق اهل سنت و از نمایندگان اهل حدیث بغدادی در قرن سوم هجری بود که کتابش مورد اقبال اهل سنت قرار گرفت. نظربه اهمیت این کتاب در مطالعات تاریخی، نقد و بررسی آن می‌تواند در پژوهش‌های بعدی سودمند باشد.

اخبار فاطمه ؑ پس از رحلت رسول خدا ﷺ به سبب اختلافات فرقه‌ای بسیار متفاوت ارائه شده است. رقابت ابوبکر با علی ؑ بر سر جانشینی پیامبر، مقابله او با فاطمه ؑ بر سر فدک و سهم الارث و کوشش برای راضی کردن علی ؑ به بیعت با خلیفه و حوادثی که منجر به بیماری و رحلت فاطمه ؑ شد، از جمله اخباری است تحت تاثیر گرایش‌های فرقه‌ای قرار گرفته است. در این میان، اهل حدیث کوشیدند با حفظ جایگاه صحابه و نادیده گرفتن اختلافات پیش آمده، به جرح و تعدیل روایات پرداخته و نارضایتی فاطمه ؑ از عملکرد خلفای وقت را توجیه کنند.

از آن جا که *الطبقات الکبری* از مهم‌ترین آثار میراث مکتوب اهل سنت و جامع‌ترین آنها در خصوص زنان صدر اسلام است، مبنای این پژوهش قرار گرفت تا با مطالعه موردی

اخبار زندگی فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن اثر و مقایسه با روایات دیگر منابع مهم تاریخی. اهل سنت و شیعه. و یافتن اشتراکات و افتراقات آنها، تأثیر باورهای کلامی در تاریخ‌نگاری ابن سعد معلوم شود و از این رهگذر به تصویری نزدیک به واقع از فاطمه علیها السلام دست یافت.

پیشینه

درباره وقایع مربوط به زندگانی فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیقات تاریخی متعددی صورت گرفته است، با این حال تحقیقی «تاریخ‌نگارانه» در جهت بررسی گرایش‌ها و دیدگاه‌های تاریخی و عقیدتی ابن سعد در خصوص فاطمه علیها السلام وجود ندارد.

نخستین توجه به گرایش‌های حدیثی ابن سعد از آن محقق شیعی هندی، حسین محمد جعفری است. وی در کتاب تشیع در مسیر تاریخ به نگاه تنزیهی ابن سعد نسبت به شخصیت‌های اصلی تاریخ اسلام توجه کرده است. بر اساس این نگاه، «ابن سعد نماینده واقعی حدیث اهل تسنن در اسلام و مکتب تقوایی مدینه در ابتدای قرن سوم هجری است که مطابق اصول اعتقادی خود، مسلمانان باید از هرگونه بحثی که عزت و احترام شخصیت‌های صدر اسلام، به ویژه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را خدشه‌دار کند بپرهیزند؛ هر که زندگینامه ابوبکر را از کتاب ابن سعد بخواند، متوجه این مطلب خواهد شد که وی تنها به ارائه شایستگی‌ها و پرهیزگاری‌های ابوبکر علاقه‌مند بوده است» (جعفری، ۴۷-۴۸).

پس از او علی بهرامیان در مقاله «اصحاب حدیث و مسأله تاریخ نیم سده اول هجری»

۱. چنان‌که نویسندگان در این مقاله و سایر مقالات خود نشان داده‌اند شماری از محدثان سنی در سده‌های نخستین اسلامی از هرگونه نقد و انتقاد از صحابه که موجب خدشه‌دار شدن نظریه عدالت صحابه می‌شد بپرهیز می‌کردند. می‌توان چنین نگاهی را «نگاه تنزیهی» دانست که در صدد مبرا کردن ایشان از هرگونه عیب و نقص است.

به این موضوع پرداخت و به عنوان نمونه، نظر خواننده را به نظر متفاوت رجالیون اهل سنت درباره دو تن از قدیم‌ترین نویسندگان کتب سیره و اصحاب جلب کرده است. در حالی که محدثان، واقدی (د. ۲۰۷ق) را دروغگو و سندساز نامیده‌اند، ابن‌سعد، ملازم و کاتب واقدی، را با بهترین الفاظ ستوده‌اند. به نظر بهرامیان، سبب این تعارض به شیوه کار ابن‌سعد باز می‌گردد که برای حفظ ضوابط و دیدگاه‌های اصحاب حدیث که چه بسا عقیده خود او نیز بود، از ذکر برخی حوادث خودداری کرده است (بهرامیان، ۳۲۱-۳۲۲). پژوهش دیگر از آن کاظم بیکی و گوهری است که در مقاله «نگاه اهل حدیثی ابن‌سعد به تاریخ صدر اسلام: بررسی موردی شرح حال امام علی علیه السلام در کتاب الطبقات الکبری» به مطالعه اخبار مربوط به علی علیه السلام در این کتاب پرداخته‌اند. قسمتی از مقاله به بررسی گزارش فدک از نگاه ابن‌سعد اختصاص دارد که بر اساس آن، ابن‌سعد با آوردن روایات ضعیف و مجعول، قصد داشت بر نارضایتی حضرت فاطمه علیها السلام از شیخین سرپوش بگذارد. از این رو نه تنها از شرکت آن دو در تشییع پیکر فاطمه علیها السلام سخن می‌گوید، بلکه ماجرای عیادت آنها را از فاطمه علیها السلام را به صورت اعلام خشنودی ایشان از آن دو جلوه می‌دهد (کاظم بیکی و گوهری، ۷۲).

در ادامه اخبار مربوط به فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هفت بخش ارائه و بررسی خواهد شد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۴

۱. موضع فاطمه علیها السلام در امر جانشینی رسول الله

به گزارش ابن‌سعد، همان روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رحلت کرد، با ابوبکر بیعت شد و فردای آن روز فاطمه علیها السلام همراه علی علیه السلام نزد ابوبکر آمد و میراث خود را از اموال پدرش مطالبه کرد (ابن‌سعد، ۲/۲۴۱). به نظر می‌رسد این گزارش در صدد القاء آن است که فاطمه علیها السلام و همسرش، نه تنها مخالفتی با جانشینی ابوبکر و خلافت وی نداشتند، بلکه به راحتی او را به عنوان خلیفه برحق پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفتند و فردای رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در طلب ارث خود برآمدند. در حالی که در اغلب منابع، به بیعت دیر هنگام

علی علیه السلام با ابوبکر تصریح کرده‌اند (نک ادامه). ابن سعد در روایتی به تأخیر علی علیه السلام در بیعت با ابوبکر اشاره کرده، اما سبب را جمع‌آوری قرآن آورده است (ابن سعد، ۲/ ۲۵۷-۲۵۸).

برخی روایت‌ها حاکی از نارضایتی فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام از جانشینی ابوبکر است. برای مثال، به روایت مؤلف *الإمامة والسیاسة*^۱ علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بیعت با ابوبکر خودداری کرد؛ او شبانه فاطمه علیها السلام را به مجالس انصار می‌برد و از آنها یاری می‌طلبید (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۲۹-۳۰؛ و نیز نک: ابن ابی الحدید، ۲/ ۴۷، ۶/ ۱۳). سخنان فاطمه علیها السلام هنگامی که عمر برای طلب بیعت از علی علیه السلام به منزل فاطمه علیها السلام آمد نیز، شاهی بر مخالفت آنان با جانشینی ابوبکر است، اما ابن سعد از ذکر آن خودداری کرده است. به گزارش مؤلف *الإمامة والسیاسة*، فاطمه علیها السلام جلوی در ایستاد و گفت: «هیچ مردمی همچون شما دیدارشان برای من بد و نفرت‌انگیز نیست؛ جنازه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را روی دست‌های ما تنها گذاشتید و کار خلافت را میان خود قطعه قطعه کردید و نظر ما را جويا نشدید و حق را به ما باز نگرداندید» (ابن قتیبه دینوری، ۱/ ۳۰). موضع فاطمه علیها السلام در اعتراض به محرومیت علی علیه السلام از خلافت را در برخی سخنان دیگر ایشان نیز می‌توان دریافت (نک. ابن طیفور، ۲۳؛ یعقوبی، ۲/ ۱۱۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۵۰-۱۵۳؛ ابن شهر آشوب، ۲/ ۴۹).

ابن سعد برای عادی‌سازی انتخاب ابوبکر، سه روایت از عایشه آورده است، با سلسله اسناد متفاوت و اندکی اختلاف در متن، مبنی بر آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از رحلت قصد داشت در خصوص خلافت ابوبکر فرمانی بنویسد تا درباره خلافت پس از ایشان اختلافی پیش نیاید، اما با ذکر این سخن که «پناه بر خدا اگر مؤمنان درباره او اختلاف کنند» از این کار منصرف شد (ابن سعد، ۳/ ۱۳۴). روایت چهارم ابن سعد، به نوعی نقض

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱. در انتساب *الإمامة والسیاسة* به ابن قتیبه تردید هست (نک، آذرنوش، «ابن قتیبه»).

سه روایت پیشین اوست: در این روایت، که حاکی از عدم انتخاب جانشین توسط رسول خدا ﷺ است، از عایشه سؤال شد: اگر پیامبر ﷺ می‌خواست جانشینی تعیین فرماید، چه کسی را انتخاب می‌کرد؟ و عایشه از میان تمام صحابه، -ابوبکر، عمر و ابوعبیده جراح- را نام برد، و اینها در سقیفه بنی ساعده حضور داشتند (همان‌جا). ابن سعد به رغم آن‌که به خبر خودداری مردم از بیعت با ابوبکر اشاره کرده (ابن سعد، ۳/ ۱۳۵)، موضع علی علیه السلام را در باب انتخاب ابوبکر مثبت نشان داده (همو، ۲/ ۲۵۷-۲۵۸) و با بیان سخنی از علی علیه السلام در واقع به گونه‌ای نمایانده است که علی علیه السلام برتری امتیازات و افتخارات ابوبکر بر خود را پذیرفته بود (همو، ۳/ ۱۳۶)؛ بر خلاف ابن سعد، روایات دیگری، حاکی از عدم بیعت علی علیه السلام تا وفات فاطمه علیها السلام است (نک: ابن قتیبه، الإمامة و السياسة، ۱/ ۳۱؛ بلاذری، ۱/ ۵۸۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ۲/ ۳۰۱-۳۰۲؛ یعقوبی، ۲/ ۱۲۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۳/ ۹۷۳؛ مقدسی، ۵/ ۲۰؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ۳/ ۲۲۸).

به عنوان نتیجه بحث می‌توان گفت ابن سعد در جهت طبیعی جلوه دادن حوادث مربوط به انتخاب ابوبکر به گونه‌ای گزارش‌های خود را مرتب کرده است که افکار خواننده نسبت به مشروعیت دستگاه خلافت مخدوش نشود؛ ظاهراً از همین روست که به مخالفت علی علیه السلام در بیعت با ابوبکر، به کوشش هواداران خلافت برای ستاندن بیعت اجباری از ایشان و استمداد علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام از دیگران اشاره‌ای نکرده است. ابن سعد برخی گزارش‌ها را پنهان نگاه داشته و تنها به ذکر روایاتی پرداخته است که حاکی از فضیلت و شایستگی بی‌تردید ابوبکر در جهت رهبری جامعه اسلامی هنگام رحلت رسول خدا ﷺ است و بدین ترتیب، کوشیده است تا خدمات اولین خلیفه و شایستگی‌هایی را که برای جانشینی بلافصل پیامبر ﷺ در خور وی بود، تا حد ممکن یادآوری کند (جعفری، ۴۷).

۲. مطالبه فدک

بنابر روایات ابن سعد در خصوص فدک، مصادره‌ای صورت نگرفت و ابوبکر و خلفای بعدی دقیقاً در مسیر سیره نبوی گام برداشتند: فاطمه علیها السلام در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستار فدک شد و رسول خدا درخواست وی را نپذیرفت (ابن سعد، ۳۰۲/۵). ابن سعد پس از نقل روایت حاکی از شرط ابوبکر مبنی بر اقامه شاهد از طرف فاطمه علیها السلام در تأیید ادعای هبه کردن فدک توسط پدرش، به شهادت ام‌ایمن به نفع فاطمه علیها السلام اشاره و خبر را نیمه‌کاره رها کرده است (همو، ۲۴۱/۲). همچنین، با حذف اخبار مربوط به فرمان عمر بن عبدالعزیز (یعقوبی، ۳۰۵/۲-۳۰۶) و مأمون (بلاذری، ۱۹۸۸ م، ۴۲-۴۳) در باب بازگرداندن فدک به خاندان فاطمه علیها السلام موضع خود را استوار ساخته است.

در گزارش ابن سعد، ادعای فاطمه علیها السلام برای طلب فدک از طریق ارث نیز به واسطه حدیث منقول از ابوبکر (ما انبیاء ارث نمی‌گذاریم، آنچه از ما باقی بماند صدقه است) راه به جایی نمی‌برد (ابن سعد، ۲۳۹/۲-۲۴۰).^۱

۳. تهدید به آتش زدن خانه فاطمه علیها السلام

طبیعی به نظر می‌رسد که ابن سعد با توجه به رویکرد او در باب موضع منسوب به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در امر جانشینی ابوبکر و خلافت برحق وی (همین مقاله) و با توجه به اصل عدم بیان خطاها و اختلافات صحابه، اشاره‌ای به گزارش تهدید عمر بن خطاب مبنی بر آتش زدن خانه فاطمه علیها السلام در ماجرای طلب بیعت از علی علیه السلام نکرده باشد. ۲۰ در حالی که روایت ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ ق)، محدث، حافظ، فقیه، مفسر و مورخ هم عصر ابن سعد، حاکی از تهدید عمر است (ابن ابی شیبه، ۴۳۲/۷).

۱. برای اطلاع کامل از این موضوع، رک. سلطانی، مجتبی و دیگران، «نقد و بررسی گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الکبری ابن سعد (د. ۲۳۰ ق)»، شیعه پژوهی، ش ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۸۶-۱۱۲.

۲. علی‌رغم تعدد گزارش‌های مربوط به تهدید عمر، نمی‌توان به طور یقین راجع به عملی شدن یا نشدن تهدیدها اظهار نظر قطعی کرد. هرچند محقق نشدن تهدید، از زشتی آن نمی‌کاهد.

روایاتی به تصریح یا تلویح به این موضوع پرداخته‌اند: در روایت نصر بن مزاحم منقروی (د. ۲۱۲ق)، هنگامی که در نبرد صفین، سپاه معاویه به شریعه فرات دست یافتند، عمرو بن عاص به معاویه پیشنهاد کرد که دسترسی به آب را برای سپاه علی علیه السلام باز بگذارند؛ زیرا او مردی شجاع است و آن را بازپس خواهد گرفت و به عنوان شاهد به این سخن امام استناد کرد: «اگر روزی که به خانه فاطمه علیها السلام ریختند و آن را می‌جستند چهل مرد با من بودند (مانع کارشان می‌شدم)» (نصر بن مزاحم، ۱۶۳).

گزارش مفصلی در باب تهدید عمر برای آتش زدن منزل فاطمه علیها السلام در دست است (الامامة والسیاسة، ۳۰/۱). در گزارش بلاذری، عمر با «فتیله» ای همراه داشت، به سوی خانه فاطمه علیها السلام رفت و او را مقابل در دید. فاطمه علیها السلام فرمود: «ای پسر خطاب! حتی اگر من هم در خانه باشم باز آن را آتش می‌زنی»؟ عمر گفت: «بله و این کار آنچه را که پدرت آورد (دینش را) محکم خواهد کرد»^۱.

در گزارش یعقوبی، هنگامی که ابوبکر و عمر دانستند گروهی از مهاجر و انصار نزد علی علیه السلام گرد آمده‌اند، بدان جا هجوم بردند. علی علیه السلام^۲ با شمشیر از منزل در آمد و عمر با او درگیر شد و او را زمین زد و شمشیرش را شکست و به خانه ریختند. فاطمه علیها السلام بیرون آمد و آنان را تهدید کرد: «به خدا قسم باید بیرون روید، اگر نه مویم را برهنه سازم و نزد خدا ناله و زاری کنم» (یعقوبی، ۱۲۶/۲).

طبری نیز زد و خورد های بنی‌هاشم و طرفداران ابوبکر را در مقابل خانه فاطمه علیها السلام گزارش کرده است (طبری، ۲۰۲/۳-۲۰۳).

مسعودی با نقل خبر توجیه عروه بن زبیر در خصوص عمل برادرش، عبدالله، در ماجرای محاصره بنی‌هاشم و فراهم کردن هیزم برای آتش زدن آنان در شعب که مشابه اقدام عمر

۱. این عبارت به شکل‌های مختلف ترجمه شده است: عمر پاسخ داد: «بله! آنچنان به این عمل مُصَرِّه‌ستم، چنانکه پدرت بردینی که آورده بود محکم بود» یا «بله! این کار برای هدفی که پدرت برای آن آمده، بسیار لازم است» و یا آری! این کار دین پدرت را محکم تر خواهد ساخت (بلاذری، انساب الاشراف، ۵۸۶/۱).
۲. در برخی منابع جای نام علی علیه السلام نام زبیر آمده است (نک. طبری، ۲۰۲/۳؛ مفید، الجمل، ۱۱۶).

بود، تلویحاً بر خبر تهدید عمر صحنه نهاده است (مسعودی، مروج الذهب، ۳/۷۷).^۱ اخبار حاکی از اینکه عمر تهدید خود را عملی کرد، در مآخذ و محافل شیعی شهرت داشته است، با این حال، از گزارش نیمه کاره شیخ مفید نمی توان شرح دقیقی از مآقع به دست آورد.^۲ در گزارش ابن شهر آشوب نیز به عملی شدن تهدید تصریح نشده است.^۳ با بررسی بیشتر منابع می توان دریافت که منابع در قبال «خبر مشهور و انکارناشدنی تهدید بیت فاطمه (علیها السلام)» (طوسی، تلخیص الشافی، ۳/۱۵۶) رویکردهای متفاوتی دارند؛ برخی همچون ابن سعد کوچکترین اشاره ای به آن نداشته و برخی آن را نقل کرده اند. برخی نویسندگان معاصر شیعی در اثبات هتک حرمت به خانه فاطمه (علیها السلام) و بروز حوادث پس از آن به وصیت ابوبکر و اقرار وی اشاره کرده و تهدید عمر را فراتر از تهدیدی زبانی می خوانند و بر این باورند که یورش به خانه فاطمه (علیها السلام) به وقوع پیوسته است (عاملی، ۱/۱۷۶).^۴

۱. خبر تهدید عمر را در عقد النفرید نیز می توان ملاحظه کرد (ابن عبدربه، ۵/۱۳). او در شرح ماجرا به جای نقل صریح سخن تهدیدآمیز عمر، عبارت «لا فعلن و لا فعلن» را به کار برده و این گونه از صراحت تهدید کاسته است (همو، ۳/۹۷۵). اما در دو روایت جوهری در کتاب السقیفه و فداک به صراحت به تهدید عمر اشاره شده است (جوهری، ۸۳، ۸۸). ابن ابی الحدید انجام کارهای دیگر از جمله به طناب کشیدن علی (علیه السلام) را جزء متفردات شیعه و امری بعید خوانده است (ابن ابی الحدید، ۲/۲۱۷).
۲. به گزارش وی عمر پس از آنکه قنغذ را به منزل فاطمه (علیها السلام) روانه کرد، گفت اگر برای بیعت از منزل خارج نشدند، خانه را با آنان به آتش خواهند کشاند. خود نیز همراه گروهی بر در خانه فاطمه (علیها السلام) آمد و بانگ زد: «ای فاطمه! کسانی را که به خانه ات پناهنده شده اند بیرون بفرست تا بیعت کنند و در کاری که مسلمانان درآمده اند در آیند و گرنه سوگند به خدا آنان را به آتش خواهم سوزاند (مفید، الجمل، ۱۱۷-۱۱۸).
۳. ابن شهر آشوب به نقل از اختیار معرفة الرجال از امام صادق (علیه السلام) و سلمان فارسی نقل کرده است که وقتی علی (علیه السلام) را از خانه خارج کردند، فاطمه (علیها السلام) نیز بیرون رفت تا خود را به قبر پیامبر رساند و گفت: «عموزاده ام را واگذارید؛ به خدایی که محمد را به حق برانگیخته اگر او را وانگذارید، موی خویش آشفته کنم و پیراهن پیامبر را بر سر نهم و به درگاه خداوند بنالم» (ابن شهر آشوب، ۳/۱۱۸). احتمالاً این روایت در نسخه اصل معرفة الرجال کشتی بوده است.
۴. در تأیید خبر عملی ساختن تهدید عمر، آتش زدن منزل، سقط فرزند فاطمه (علیها السلام) به واسطه فشار عمر بر در و

ابن سعد که ظاهراً ملاحظات سیاسی و اعتقادی داشته، روایتی حاکی از تهدید بیت فاطمه علیها السلام نیاورده و حتی از ذکر سخنان ابوبکر در بستریماری که برهتک حرمت منزل فاطمه علیها السلام صحه می‌گذارد نیز، اجتناب کرده است. با این حال منابع متعددی این خبر را نقل کرده‌اند (نک. ابن قتیبه دینوری، *الإمامة و السياسة*، ۳۶/۱؛ بلاذری، ۳۴۶/۱۰؛ یعقوبی، ۱۳۷/۲؛ طبری، ۴۳۰/۳؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ۳۰۱/۲؛ طبرانی، *معجم الکبیر*، ۶۲/۱؛ ابن عبدربه، ۲۱/۵؛ ابن عساکر، ۴۲۰/۳۰). ابو عبید القاسم بن سلام (م ۲۲۴ق)، فقیه، محدث، قاری و لغت‌شناس برجسته خراسانی^۱ هم عصر ابن سعد نیز به وصیت ابوبکر و سه آرزوی او هنگام مرگ اشاره کرده، اما به جای ذکر عبارت ابوبکر عبارت مبهم «کذا و کذا» را به کار برده است (قاسم بن سلام، ۱۷۴/۱).

سقط فرزند فاطمه علیها السلام در جریان حوادث بیعت

در روایات مربوط به فاطمه علیها السلام اختلاف بر سر پرسسومی از اوست به نام محسن که به تصریح مقدسی «... شیعه معتقد است از ضربت عمر سقط شده است» (مقدسی، ۲۰/۵)، در حالی که به نوشته مقدسی و به رغم تصریح به اعتقاد شیعه: «بسیاری از اصحاب اخبار، او [محسن] را نمی‌شناسند» (همان‌جا).

ابن سعد در ذکر فرزندان فاطمه علیها السلام از محسن نامی نبرده است (ابن سعد، ۱۴/۳،

فرورفتن میخ بر سینه فاطمه علیها السلام به مناظره عالم شیعی با عالم سنی در کتاب *مؤتمر علماء بغداد* (مقاتل بن عطیه، ۲۷) نیز استناد می‌شود. حسن انصاری انتساب این کتاب به مقاتل بن عطیه، داماد خواجه نظام‌الملک، را جعلی خوانده و بر این باور است که این کتاب به قلم یک نویسنده معاصر غیر عرب، اما مسلط به زبان عربی تألیف شده و متن آن همانند شماری از متون تبلیغی و مناظره‌ای که در تاریخ کتاب در تمدن اسلامی وجود دارد، بیش از آن که ناظر به واقعیتی تاریخی باشند، ناظر به هدفی است که از لحاظ مذهبی دنبال می‌کند. انصاری مؤلف کتاب را سید مرتضی رضوی کشمیری معرفی کرده است (نک. کانال تلگرامی حسن انصاری، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷).

۱. وی اولین کتاب را در *غریب الحدیث* نگاشت و برای آن چهل سال وقت گذاشت. سخنان بسیار تحسین‌آمیزی از علما و رجال اهل سنت درباره او نقل شده است. از دیگر آثار مشهور اوست: *الاموال و ادب القاضی* (رک. ابن خلکان، ۴/۶۰-۶۳).

۲۲/۸)، اما ذیل نام گذاری حسن علیه السلام و حسین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در دو خبر به تولد پسر سومی به نام حرب اشاره کرده که در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد و ایشان وی را محسن نامید (ابن سعد، *متمم الصحابة*، ۱/ ۲۴۱-۲۴۲). ابن سعد توضیحی راجع به زندگی و مرگ این کودک نداده است. برخی منابع، ذیل فرزندان فاطمه علیها السلام، از فرزندی به نام محسن نام برده (مسعودی، *مروج الذهب*، ۳/ ۶۳؛ ابن طلحه شافعی، ۵۴) و راجع به او گفته‌اند: «در خردسالی از دنیا رفت» (بلاذری، ۱/ ۴۰۴؛ یعقوبی، ۲/ ۲۱۳؛ طبری، ۵/ ۱۵۳؛ مقدسی، ۷۵/۵؛ ابن اثیر، *الکامل*، ۳/ ۳۹۷؛ سبط بن جوزی، ۵۷).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱۱

به نوشته شیخ طوسی: «در میان شیعه مشهور است و اختلاف نیست که عمر به شکم فاطمه علیها السلام زد و فرزندش سقط شد» (طوسی، *تلخیص الشافی*، ۳/ ۱۵۶).^۱ شیخ مفید در گزارش خود راجع به محسن نوشته است: «شیعه می‌گوید فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارش فرزند پسری داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را هنگام بارداری فاطمه، محسن نامیده بود...» (مفید، *الارشاد*، ۱/ ۳۵۵).^۲

به گزارش طبرسی در میان شیعیان برخی معتقدند که پس از درگذشت پیامبر، فاطمه پسری سقط کرد که پیامبر او را محسن نامیده بود (۱/ ۳۹۶). ابن شهر آشوب به سقط محسن تصریح (همو، ۳/ ۸۹) و از *المعارف* ابن قتیبه نقل کرده است که محسن بر اثر

۱. گرچه در کتاب سلیم بن قیس خبر سقط محسن به تفصیل هست (سلیم بن قیس، ۴۰)، باید توجه داشت که صحت و سقم این کتاب محل پرسش بوده است (برای مثال، نک: مدرسی طباطبایی، ۱۲۰-۱۲۴؛ روح الله علی بیگ، «بررسی سندی و محتوایی کتاب سلیم بن قیس»، حدیث اندیشه، ۱۳۸۱؛ نهله غروی نایینی، «نگاهی به جایگاه سلیم بن قیس در کتاب‌های حدیثی و رجالی»، پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶). در *اثبات الوصیة* منسوب به مسعودی نیز خبر سقط محسن بر اثر هجوم به خانه و فشار در آمده است (مسعودی، ۱/ ۱۴۶). برای بررسی صحت و سقم انتساب این کتاب به مسعودی نک. حسین قاریان و محمدرضا جباری، «بررسی انتساب کتاب *اثبات الوصیة* به مسعودی» *فصلنامه تاریخ اسلام*، پیاپی ۶۱، ۱۳۹۴.

۲. در *الاختصاص* منسوب به شیخ مفید خبر سقط محسن - اما با اختلافات از روایت سلیم - آمده است (مفید، ۱۸۵، ۳۴۴) (برای بررسی صحت و سقم انتساب این کتاب به شیخ مفید، نک: محمدجواد شبیری، «شیخ مفید و کتاب *اختصاص*»، *نور علم*، ۱۳۷۰ و نیز عاملی، ۱۷۸/۱ به بعد).

جراحی که قنفذ بر فاطمه علیها السلام وارد کرد، آسیب دید (همو، ۱۳۳/۳).^۱

قاضی عبدالجبار (د ۴۱۵) در *الأرجوزة المختارة في الإمامة*، پس از تصریح به اعتقاد شیعیان مبنی بر قتل محسن، آن اعتقاد را نپذیرفته است (قاضی عبدالجبار، ۱/۲۴۰).^۲ باید توجه داشت که ذکر خبر گریه شیعیان بر مصیبت فاطمه علیها السلام و قتل فرزندش محسن توسط عمر (همو، ۵۹۴-۵۹۵) از رواج این باور در آن سالها خبر می‌دهد. عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸۵) نیز با نقل باور نظام معتزلی مبنی بر ضربه عمر به فاطمه علیها السلام در روز بیعت و سقط جنین فاطمه علیها السلام (شهرستانی، ۷۱/۱)، در صدد تضعیف نظام برآمده و قول وی را نادرست خوانده است (همان جا).^۳

علی‌رغم خبرهای متناقض در این خصوص^۴ می‌توان به شهرت و تواتر این باور^۵ در دو

۱. روایتی که ابن شهر آشوب یاد کرده در نسخه چاپی موجود از *المعارف* بدین ترتیب آمده است: «و أما «محسن بن علی» فهلك و هو صغير» (ابن قتیبه، *المعارف*، ۲۱۱). *المعارف* تحقیق ثروت عکاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م. ابن طلحه شافعی از علمای بزرگ اهل سنت در اوایل قرن هفتم نیز به نقل از *المعارف* ابن قتیبه آورده است: «و زاد علی الجمهور، و قال: إن فاطمة اسقطت بعد النبي ذكرا، كان سماه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم محسنا» (ابن طلحه شافعی، ۴۱۳/۱).

۲. برخی تاریخ‌پژوهان انتساب این کتاب به قاضی عبدالجبار را رد کرده‌اند (نک. مقالات و نوشته‌های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام).

۳. صفدی در *الوافی بالوفیات* (۱۵/۶) نیز عبارت نظام را ذکر کرده، اما او را برهمایی مذهب خوانده است!

۴. به گفته ابوجعفر نقیب، اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماجرای هجرت زینب به مدینه و سقط فرزندش، خون هباربن اسود را به جرم ترساندن وی که موجب سقط کودکش شد، حلال فرموده باشد، بدیهی است اگر در قید حیات بودند، خون افرادی را که فاطمه علیها السلام را ترساندند تا کودکش سقط شود نیز حلال اعلام می‌کردند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴/۱۹۲-۱۹۳). ابن ابی‌الحدید، از ابوجعفر سؤال کرد: آیا روایت گروهی را که معتقدند فاطمه علیها السلام چندان وحشت کرد که محسن سقط شد از قول او روایت کند؟ او گفت: «نه تأیید و نه بطلان آن را از من نقل نکن، زیرا به دلیل تعارض اخبار، در این باره نظر قطعی ندارم» (همانجا).

۵. عبدالجلیل قزوینی از علمای قرن شش هجری نیز خبر سقط فرزند فاطمه علیها السلام را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را محسن نام نهاد و با ضربت عمر سقط شد، خبر صحیحی خوانده و تصریح کرده است: «این خبر درستی است که به این صورت همه نقل کرده‌اند و در کتب شیعی و سنی مذکور و مسطور است (عبدالجلیل قزوینی، ۳۱۰-۳۱۱).

سده نخست هجری میان جمعی از شیعیان اطمینان داشت. عبدالله بن یزید فزاری از متکلمان برجسته اباضی مذهب در کتاب *الردود*، باور سقط فرزند فاطمه علیها السلام توسط ابوبکر و عمر را به جمعی از شیعیان که آنها را رافضی و غالی خوانده، نسبت داده است (فزاری، ۱۰). باید توجه داشت که منظور وی از غلو فراگیر بوده و شامل روافض (غیرزیدی‌ها) که قائل به اصل وصایت هستند نیز می‌شود. کتاب مذکور، مربوط به نیمه قرن دوم هجری است و دلیلی است بر بطلان این نظر که این‌گونه روایات در سده‌های میانی و اخیر ساخته و پرداخته شده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱۳

در میان اخباری که به سقط محسن اشاره داشته‌اند، گاه تفاوت‌هایی در میان عامل سقط محسن - عمر یا قنفذ - و ماجرای که منجر به این اتفاق شد - جریان بیعت خواهی از علی علیه السلام یا اجبار عمر در دریافت نامه فدک از فاطمه علیها السلام - به چشم می‌خورد.^۱

۴. عیادت ابوبکر و عمر از فاطمه علیها السلام

ابن سعد خبر آزرده‌گی و خشم فاطمه علیها السلام از ابوبکر را به سبب مصادره فدک و میراث رسول الله آورده است (ابن سعد، ۲/۲۴۰)،^۲ اما ظاهراً در توجیه خشم و ناراضایتی فاطمه علیها السلام از ابوبکر گزارش متفاوتی نقل کرده است: ابوبکر هنگام بیماری به ملاقات فاطمه علیها السلام رفت. علی علیه السلام به همسرش فرمود: اگر می‌خواهد اجازه ورود دهد. فاطمه علیها السلام نظر همسر را پرسید و بعد از پاسخ مثبت علی علیه السلام ابوبکر وارد شد و بعد از طلب پوزش با او گفت و گو کرد و فاطمه علیها السلام از وی راضی شد (ابن سعد، ۸/۲۲).

به گزارش مسعودی فاطمه علیها السلام از وقتی میراث پدر خویش را از فدک و غیره از ابوبکر مطالبه و با وی مشاجره کرد تا هنگام مرگ از او آزرده بود (مسعودی، *التنبیه والاشراف*،

۱. برای بررسی بیشتر راجع به اخبار محسن، نک: علی‌رضا عالمی، «محسن بن علی علیه السلام»، *دانشنامه فاطمی علیها السلام*، ۱۳۹۳. ش. ۱/۲۶۰ تا ۲۷۳؛ محمدرضا جببازی و محمدجواد یآوری سرتختی، «بررسی اخبار محسن بن علی در منابع فریقین»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ۳۱ تا ۶۲؛ محمدالله اکبری، «محسن بن علی»، *طلوع*، ۱۳۸۸، ش. ۲۹.

۲. این روایت در منابع روایی نیز قابل ملاحظه است (بخاری، ۱۳۹/۵؛ مسلم، ۳/۱۳۸۰).

بنابر روایت منقول در *الإمامة والسیاسة*، فاطمه علیها السلام به عمر و ابوبکر اجازه ورود نداد و آنان پس از وساطت علی علیه السلام توانستند وارد منزل شوند، اما فاطمه علیها السلام از آنان روی برگرداند و پاسخ سلام‌شان را نیز نداد (*الإمامة والسیاسة*، ۳۱/۱). فاطمه علیها السلام پس از سخنان ابوبکر به حدیث پدرش در خصوص «خشنودی و خشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در گرو خشنودی و خشم فاطمه علیها السلام» است اشاره کرد و فرمود: نزد خدا و فرشتگان گواهی می‌دهد که آن دو ایشان را به خشم آورده و نزد رسول خدا از آنان شکایت خواهد کرد (همان‌جا).

ابن‌ابی‌الحدید در چندین روایت خبر آزرده‌گی فاطمه علیها السلام را از آن قوم تا زمان درگذشت آورده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۴۹/۶؛ همو، ۲۱۸/۱۶)، اما کوشش کرده تا کار ابوبکر و عمر را توجیه کند (همو، ۵۰/۶). به رغم شهرت خبر اعلان نارضایتی فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر در منابع روایی و تاریخی و تصریح ابن‌سعد، نقل اخباری چون بخشش ابوبکر توسط فاطمه علیها السلام (ابن‌سعد، ۲۲/۸) و نماز او بر پیکر ایشان (همو، ۲۴/۸) در کتاب ابن‌سعد و هم‌طیفان وی را می‌توان کوششی برای کاهش شدت اعتراضات و محفوظ ماندن جایگاه خلیفه دانست.

۵. وفات و وصایای فاطمه علیها السلام

به روایت ابن‌سعد راجع به رحلت فاطمه علیها السلام، ابوبکر از این‌که از اموال چیزی به فاطمه دهد خودداری کرد؛ فاطمه نیز بر او خشم گرفت و تا زمان مرگ، شش ماه پس از رحلت رسول، با او سخن نگفت (ابن‌سعد، ۲۴۰/۲). او شرحی از بیماری فاطمه علیها السلام و سبب آن ارائه نداده است. به گزارش وی، فاطمه علیها السلام بیمار بود و علی علیه السلام در منزل حضور نداشت. فاطمه علیها السلام از سلمی^۱ آبی برای غسل خواست و پس از پوشیدن جامه‌های نواز سلمی خواست بسترش را رو به قبله بگستراند و از رحلت خود خبر داد (ابن‌سعد، ۲۲/۸-۲۳).

۱. به گزارش واقدی، سلمی، کنیز صفیه دختر عبدالمطلب و قابله فرزندان خدیجه علیها السلام بود (ابن‌سعد،

او در روایت دیگری که بیشتر نقل شده، تصریح کرده است که علی همسر خود را غسل داد (همو، ۲۳/۸). به گزارش برخی منابع، فاطمه علیها السلام وصیت کرده بود که جز علی علیه السلام و اسماء، دیگری ایشان را غسل ندهد (بلاذری، ۴۰۵/۱؛ یعقوبی، ۱۱۵/۲؛ ابن عبدالبر، ۱۸۹۷/۴؛ سبط بن جوزی، ۲۸۶).

به نظرمی رسد که عمده اختلاف در اخبار رحلت فاطمه علیها السلام پیرامون بیماری اوست. در باور غالب شیعیان، بیماری فاطمه علیها السلام متأثر از حوادث پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از جمله ضبط فدک، تصاحب خلافت و ماجرای بیعت اجباری همسر و سقط فرزندش بوده است که سرانجام هم به درگذشت او منجر شد (طبرسی، الاحتجاج، ۸۳/۱)، اما روایت ابن فتال با بقیه شیعیان اندکی تفاوت دارد: ظاهراً او رحلت فاطمه علیها السلام را متأثر از شدت اندوه وی از فقدان پدر آورده است (ابن فتال نیشابوری، ۳۴۶/۱-۳۴۷). با توجه به پرده‌پوشی‌های سیاسی درک حقیقت رحلت فاطمه علیها السلام به ویژه در منابع اهل جماعت و اصحاب حدیث بسیار دشوار است. منابع اهل سنت در خصوص علت بیماری فاطمه علیها السلام همچون ابن سعد سکوت کرده، یا بیماری را ناشی از غم و اندوه رحلت پدر خوانده و گفته‌اند فاطمه علیها السلام پس از وفات پدر از اندوه بیمار شد و پس از هفتاد روز درگذشت (ابن شبه نمیری، ۱۰۸/۱). سبط ابن جوزی از قول سیره‌نویسان نقل کرده است: روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، فاطمه علیها السلام همچنان مریض بود (سبط ابن جوزی، ۲۸۵).

به رغم خودداری ابن سعد در بیان علت درگذشت فاطمه علیها السلام به سبب بروز حوادث پس از رحلت پدر اعم از ضبط فدک، درگیری‌های جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و وقایع پس آن، باید اذعان داشت که این باورها از قرون اولیه در میان شیعیان رایج بوده است و می‌توان آنها را در اشعار شاعران متقدم نیز یافت: علی بن یونس نباطی از متکلمان امامیه قرن نهم قمری به اشعاری از سید حمیری، شاعر نامی سده دوم هجری، اشاره کرده است

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

که برزیدن فاطمه علیها السلام و نفرین مرتکبان آن دلالت دارد (علی نباطی، ۱۳/۳).^۱ اشعار برقی^۲ که در خصوص احراق بیت فاطمه علیها السلام آورده شده نیز (همان جا) برواج این باورها در آن دوران دلالت دارد. قاضی نعمان (د. ۳۶۳ ق)، از علمای اسماعیلیه نیز در مجموعه اشعار خود به ضربت خوردن فاطمه علیها السلام، سقط فرزند و شهادت ایشان گواهی داده است (نعمان مغربی، ۸۸ تا ۹۲).^۳

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱۶

۶. تدفین شبانه

تدفین شبانه فاطمه علیها السلام از وقایع مشهوری است که ابن سعد و بسیاری از منابع به آن تصریح کرده‌اند (ابن سعد، ۲۴/۸؛ و نیز نک. ابن شبه نمیری، ۱۰۶/۱؛ بلاذری، ۴۰۲/۱؛ یعقوبی، ۱۱۵/۲؛ طبری، ۲۰۸/۳؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ۲۵۰؛ طبرسی، ۳۰۰/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۸۹۸/۴؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ۲۲۶/۶؛ سبط بن جوزی، ۲۸۷). برخی منابع علاوه بر ذکر تدفین شبانه فاطمه علیها السلام تأکید کرده‌اند که ابوبکر و عمر را در مراسم خاکسپاری فاطمه علیها السلام خبر نکردند (بلاذری، ۴۰۵/۱؛ و نیز نک. طبری، ۲۰۸/۳؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ۲۵۰) و ایشان شبانه در حالی دفن شد که جز سلمان، ابوذر و عمار شخص دیگری حاضر نبود (یعقوبی، ۱۱۵/۲). سید اسماعیل حمیری (د. ۱۷۹ ق) نیز در این باره اشعاری سروده است (سید حمیری، ۱۱۸).

بنا بر منابع، دفن شبانه، وصیت فاطمه علیها السلام بود (طبرسی، ۳۰۰/۱؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ۲۲۶/۶) و ایشان خواسته بود ابوبکر و عمر را از مرگ خود آگاه نکنند و آن دو برپیکر او نماز نخوانند؛ از همین رو بود که علی علیه السلام شبانه وی را به خاک سپرد و آن دو را خبر نکرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷/۳). طبرسی شرکت کنندگان بر نماز فاطمه علیها السلام را علی علیه السلام، حسنین علیهم السلام، عمار، مقداد، عقیل، زبیر، ابوذر، سلمان، بریده و گروهی از بنی هاشم آورده

۱. در دیوان سید حمیری چنین اشعاری نیامده است.

۲. احتمالاً عبدالله بن عمار برقی، متوفی ۲۴۵ ه. ق باشد.

۳. برای ملاحظه اشعار بیشتر در این خصوص، نک: عاملی، ۱۹/۲ به بعد.

است (طبرسی، ۳۰۰/۱). در منابع دیگری نیز، به عدم حضور ابوبکر در مراسم خاکسپاری فاطمه علیها السلام (ابن شیهه نمیری، ۱۱۰/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۵۷) و وصیتش مبنی بر این که ابوبکر بروی نماز نگذارد (ابن ابی الحدید، ۲۱۴/۱۶) تصریح شده است. فاطمه علیها السلام وصیت کرده بود هیچ یک از افرادی که بر او ستم روا داشته و حقش را گرفته‌اند در تشییع جنازه او شرکت نکرده و او را شبانه هنگامی که خاک سپارند که مردم به خواب رفته‌اند (ابن فتال نیشابوری، ۳۴۸/۱). ابن فتال سبب دفن شبانه فاطمه علیها السلام و عدم تمایل او به شرکت خلفای نخست در تشییع جنازه اش را به نقل از علی علیه السلام، خشم فاطمه علیها السلام از آن قوم دانسته است (همو، ۳۵۰/۱-۳۵۱).

ابن سعد در روایتی غیرمشهور از نماز ابوبکر بر پیکر فاطمه علیها السلام سخن گفته است (ابن سعد، ۲۴/۸). به نظر می‌رسد جایگاه فاطمه علیها السلام و میزان اهمیت رضایت ایشان که به تصریح ابن سعد «هر چه وی را ناراحت کند، رسول خدا را ناراحت کرده»، موجب جعل این خبر و خبر راضی شدن فاطمه علیها السلام از ابوبکر (همو، ۲۲/۸) شده است تا نارضایتی فاطمه علیها السلام از اعمال خلفا در سایه آنها کمرنگ جلوه کند.

روایات او در باب صلات بر پیکر فاطمه علیها السلام بدین شرح است: دو روایت از نماز ابوبکر (ابن سعد، ۲۴/۸)، دو روایت از نماز گزاردن علی علیه السلام (همو، ۲۴-۲۵/۸) و روایتی از نماز عباس (همو، ۲۳/۸-۲۴). ابن سعد با ذکر روایات ضعیف در کنار روایات مشهور، درک واقع امر را برای خواننده دشوار می‌سازد. به تصریح برخی محققان، دفن مخفیانه و شبانه فاطمه علیها السلام برای ممانعت از شرکت خلیفه در مراسم، احتمالاً ضربه سختی بر پیکر

۱. ابن سعد و موافقان وی یکی از مشهورترین احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله که از فضایل فاطمه علیها السلام به شمار می‌آید، به ناراحتی فاطمه علیها السلام از ازدواج همسر نسبت داده‌اند. به گزارش ابن سعد، علی علیه السلام هنگام زندگی با فاطمه علیها السلام به خواستگاری جویریة، دختر ابوجهل بن هشام بن مغیره رفت؛ خاندان او برای رایزنی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان اجازه چنین کاری نداد و فرمود: «فاطمه پاره تن من است، هر چیز او را ناراحت کند، مرا را ناراحت کرده است» (ابن سعد، ۲۰۶/۸؛ و نیز نک بلاذری، *انساب الاشراف*، ۴۰۳/۱؛ ابن اثیر، *اسد الغابه*، ۲۲۲/۶؛ ابن عساکر، ۱۵۶/۳).

۲. به گزارش مسعودی، عباس و علی علیه السلام بر او نماز خواندند (مسعودی، *مروج الذهب*، ۲۹۱/۲).

پیروزی و مشروعیت ابوبکر بود (مادلونگ، ۹۲). هر چند ابوبکر از تحقیر مخالف خود، علی علیه السلام رضایت خاطر حاصل کرده بود، لیکن شناخت این حقیقت که رنج شدید حاصل از دسیسه‌ها و توطئه‌های سیاسی او سبب مرگ زود هنگام یگانه دختر پیامبر شده است، پیامبری که مردم ابوبکر را صمیمی‌ترین دوست وی می‌دانستند، نتوانست به سادگی بار غم را از دل او بردارد (همو، ۹۳-۹۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱۸

۷. مدفن

در خصوص محل دفن فاطمه علیها السلام اختلاف بسیار است. به گزارش ابن سعد، واقدی به عبدالرحمان بن ابی‌الموالی گفت: مردم آرامگاه فاطمه علیها السلام را کنار مسجدی در بقیع می‌دانند که مردم، آن جا بر جنازه‌های خود نماز می‌گزارند، اما عبدالرحمان سوگند یاد کرد آن جا مسجد رقیه است، به نام زنی است که آن را ساخت و فاطمه علیها السلام در گوشه خانه عقیل، کنار خانه جحشی‌ها، در مقابل راه خروجی خاندان عبدالدار و کنار بقیع به خاک سپرده شد و میان آرامگاه و راه هفت ذراع است (ابن سعد، ۲۵/۸).^۱ در روایت دیگری به همان منزل عقیل اشاره شده است (همان جا)؛ در این روایت عبدالله بن جعفر تأکید کرده است: «کسی را ندیده‌ام درباره این موضوع که آرامگاه فاطمه علیها السلام همان جاست تردید کند». دو گزارش بعدی بر دفن فاطمه علیها السلام در بقیع دلالت دارد^۲ (ابن سعد، ۱۸۳/۵-۱۸۴).

۱. احتمالاً این روایت مربوط به محل دفن فاطمه بنت اسد باشد، زیرا برخی منابع محل دفن ایشان را منزل عقیل آورده‌اند (نک ابن شبه نمیری، ۱۲۷/۱).

۲. به گزارش ابن سعد، حاکم مدینه، سر [امام] حسین علیه السلام را کنار مزار فاطمه علیها السلام، در بقیع، دفن کرد (ابن سعد، ۱۸۴/۵). [امام] حسن علیه السلام نیز در وصیت خود از برادرش خواسته بود اگر از خاک سپاری ایشان کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیم خونریزی وجود داشت، در بقیع، کنار مزار مادرش به خاک سپرده شود (ابن سعد، متمم الصحابة، ۳۴۳/۱). واژه «ام» در عربی به مادر بزرگ نیز اطلاق شده و به تصریح برخی منابع، حسن علیه السلام بر دفن خویش نزد فاطمه بنت اسد، مادر بزرگ خویش، توصیه کرده بود (نک مفید، الارشاد، ۱۷/۲؛ طبرسی، ۴۱۴/۱).

و نیز نک. مسعودی، *مروج الذهب*، ۴۲۶/۲؛ همو، ۲۸۵/۳؛ ابوالفرج اصفهانی، (۸۱).^۲
 تعدد روایات موجود در منابع در خصوص محل دفن فاطمه علیها السلام می‌تواند حاکی از
 تعدد در پنهان نگاه داشتن مزار باشد. ابن سعد در هر چهار روایت، تنها به منزل عقیل در
 بقیع، یا خود بقیع اشاره کرده است، با این حال، برداشت کلمه از اخبار ابن سعد در این
 خصوص، مخفی ماندن مزار فاطمه علیها السلام در سال‌های اولیه بوده است (Klemm “Fāṭima
 bt. Muḥammad”).^۳ در برخی منابع به صراحت به مخفی بودن و یا مخفی نگاه داشتن
 محل دفن او تصریح شده است (ابن شیهه نمیری، ۱۰۶/۱؛ ابن فتال، ۳۴۹/۱؛
 ابن شهر آشوب، ۱۳۷ / ۳). ابن شیهه نمیری، معاصر ابن سعد، نقل‌های متعددی در
 خصوص محل دفن فاطمه علیها السلام آورده است: از جمله بقیع، مسجدالنبی و یا منزل
 فاطمه علیها السلام (ابن شیهه نمیری، ۱۰۵-۱۰۷). برخی منابع نیز با تصریح بر اختلاف در محل
 دفن او به بقیع، خانه فاطمه علیها السلام^۴ و میان مزار رسول الله و منبر ایشان^۵ اشاره کرده و با بعید

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۱. مسعودی علاوه بر ذکر این روایات در *مروج الذهب*، در اثر دیگر خود *التنبيه و الاشراف* نیز به محل دفن
 حسن علیه السلام در بقیع غرقد، پهلوی مادرش فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تصریح کرده است (مسعودی،
مروج الذهب، ۲۶۰). او در ادامه آورده است: «اکنون آنجا سنگی است که بر روی آن نوشته شده است:
 «الحمد لله مبيد الامم و محیی الروم هذا قبر فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه و سلم سيدة نساء العالمين و
 الحسن بن علی بن ابی طالب و علی بن الحسین بن علی و محمد بن علی و جعفر بن محمد، رضوان الله عليهم
 اجمعين» (همانجا).

۲. حسن علیه السلام را در کنار قبر مادرش، فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پای دیوارهای «بنی‌نیه» در بقیع به خاک
 سپردند (ابوالفرج اصفهانی، ۸۱).

3. Klemm, Verena, “Fāṭima bt. Muḥammad”, in: *Encyclopaedia of Islam*,
 THREE, Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John Nawas,
 Devin J. Stewart. Consulted online on 14 March 2023,
http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_27039, First published online:
 2014, First print edition: 9789004269613, 2014, 2014-2.

۴. برخی بر این باورند که او را در منزلش به خاک سپردند و پس از این که بنی‌امیه مسجد را بزرگ کرد، قبر او در
 مسجد قرار گرفت (طبرسی، ۳۰۱/۱).

۵. اینان به استناد فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر خیر از وجود باغی میان مزار و منبر خویش، این عقیده را
 پیدا کرده‌اند (طبرسی، ۳۰۱/۱).

دانستن خاکسپاری در بقیع، دو قول اخیر را به صواب نزدیکتر خوانده و احتیاط را بر زیارت هر سه موضع دانسته‌اند (طبرسی، ۳۰۱/۱). اربلی نخست به نقل از ابن‌بابویه آورده است: «نزد من صحیح آن است که او را در خانه خود دفن کردند و وقتی بنی‌امیه مسجد را توسعه داد، مزارش داخل مسجد شد» (اربلی، ۴۷۳/۱)، اما خود تصریح دارد: «ظاهر و مشهور آن است که مردم و ارباب تواریخ و سیر نقل کرده‌اند که او را در بقیع دفن کرده‌اند» (همان‌جا). در کتاب *قرب‌الاسناد* از امام رضا علیه‌السلام روایتی در تکذیب خبر دفن فاطمه علیها‌السلام در بقیع و تصریح به دفن فاطمه علیها‌السلام در منزل خود آمده است (حمیری، ۳۶۷). در کتب روایی شیعی همچون *اصول کافی* نیز روایاتی در خصوص آشکار شدن محل دفن فاطمه علیها‌السلام توسط ائمه نقل شده است (کلینی، ۴۹۸/۲). بنابراین، مزار فاطمه علیها‌السلام که به نشانه اعتراض به خلفای وقت پنهان شده بود، بعدها توسط ائمه آشکار شد. اخباری نیز از مسافرانی که از قرن پنجم به بعد به زیارت مزار فاطمه علیها‌السلام در مسجد النبی رفته‌اند، در دست است (Klemm, "Fāṭima bt. Muḥammad").^۱

ابن‌سعد راجع به رحلت فاطمه علیها‌السلام گزارش‌های دیگری نیز نقل کرده است: فاطمه علیها‌السلام نخستین فردی بود که برای او تابوت به کار رفت (ابن‌سعد، ۲۳/۸). بنابراین برخی روایات، پس از رحلت فاطمه علیها‌السلام، عایشه قصد داشت در منزلش حاضر شود، اما اسماء مانع شد (حاکم نیشابوری، ۱۵۹؛ ابن‌عبدالبر، ۱۸۹۷/۴-۱۸۹۸؛ ابن‌اثیر، *اسد‌الغابه*، ۲۲۶/۶). در ادامه این روایت آمده است که وقتی عایشه به پدر شکایت برد که اسماء مانع او و دختر رسول خداست، اسماء گفت: «این وصیت فاطمه علیها‌السلام است و امر فرموده اجازه ندهم احدی کنار بدن او حاضر شود» (همان‌جا و نیز نک. اربلی، ۴۷۵/۱؛ ابن‌حماد دولابی، ۱۵۴).

1. Klemm, Verena, "Fāṭima bt. Muḥammad", in: *Encyclopaedia of Islam*, THREE, Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John Nawas, Devin J. Stewart. Consulted online on 14 March 2023, http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_27039, First published online: 2014, First print edition: 9789004269613, 2014, 2014-2.

نتیجه

آنچه ابن سعد درباره خلفای نخستین نقل کرده گزینشی و در جهت مشروعیت بخشی به خلافت آنهاست. گزارش ابن سعد از اخبار فاطمه علیها السلام بعد از پیامبر گزارشی محرف، ناقص و گزینشی است و با این هدف تنظیم شده است که کوچکترین خلل و خدشه‌ای به مشروعیت خلافت ابوبکر وارد نشود. ابن سعد از گزارش هرگونه سخن یا عمل اعتراضی فاطمه علیها السلام نسبت به خلافت ابوبکر پرهیز می‌کند و در عوض چنین جلوه می‌دهد که گویی خلافت ابوبکر امری کاملاً پذیرفته شده از سوی فاطمه علیها السلام بود. از همین رو فاطمه علیها السلام در پی دعاوی مالی شخصی، خواستار فدک شد که ابوبکر تصاحب کرده بود، اما از آن نیز طرفی نیست؛ زیرا نتوانست اثبات کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را به ایشان بخشیده بود. از بابت ارث هم چیزی به ایشان تعلق نگرفت، زیرا ابوبکر با استناد به حدیثی، عقیده داشت که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ارثی باقی نخواهد ماند.

ابن سعد به روایت حاکی از تهدید آتش زدن خانه فاطمه علیها السلام از سوی عمر نکرده و سخنان ابوبکر را هنگام مرگ که حاکی از ابراز پشیمانی از این واقعه است نیاورده است. او که می‌کوشد رابطه فاطمه علیها السلام و ابوبکر را مناسب نشان دهد: از عیادت ابوبکر از فاطمه علیها السلام سخن می‌گوید که برای دلجویی از تصاحب فدک صورت گرفت، نه تمامی اموری که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای اهل بیت پدید آوردند.

در پایان، ابن سعد از تدفین شبانه فاطمه علیها السلام روایت کرده، اما برای پوشاندن نتایج حاصل از این نشانه خاص، روایتی حاکی از بی‌اطلاعی خلیفه از تدفین دختر پیامبر آورده است. او به عدم حضور صحابه نیز اشاره نمی‌کند و حتی شماری از روایات او نشان می‌دهد که ابوبکر بر پیکر فاطمه علیها السلام نماز گزارد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

منابع

- آذرنوش، آذرتاش، «ابن قتیبه»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، قم، مكتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن ابی شیبة، أبوبکر بن أبی شیبة، *مصنف ابن ابی شیبة*، محقق کمال یوسف الحوت، ریاض، بی نا، ۱۴۰۹ ق.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد جزری، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر- دار بیروت، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۵ م.
- همو، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م.
- ابن حماد دولابی، *الذرية الطاهرة*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۱ م.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، *الطبقات الكبرى*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م.
- همو، *الطبقات الكبرى متمم الصحابة الطبقة الخامسة*، تصحیح محمد بن صامل السلمي، طائف، مكتبة الصديق، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م.
- ابن شبه نمیری، ابوزید عمر البصری، *تاریخ المدینة (أخبار المدینة النبویة)*، محقق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، تصحیح لجنة من اساتذة النجف الأشرف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ هـ / ۱۹۵۶ م.
- ابن طلحه شافعی، محمد بن طلحه، *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*، بیروت، دارالبلاغ، ۱۴۲۱ هـ ق.
- ابن طیفور، أبو الفضل أحمد بن أبی طاهر، *بلاغات النساء*، تصحیح احمد الالفی، قاهره، مطبعة مدرسة والده عباس الأول، ۱۳۲۶ هـ / ۱۹۰۸ م.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲.

تابستان ۱۳۹۹

- ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تصحيح على محمد البجاوی، بیروت، دارالجيل، ۱۴۱۲هـ.ق/ ۱۹۹۲م.
- ابن عبدربه، أبو عمر، شهاب الدين أحمد، العقد الفريد، بیروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۰۴هـ.ق.
- ابن عساکر، أبو القاسم علي بن الحسن شافعی، تاريخ دمشق، تصحيح عمرو بن غرامة العمري، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵هـ.ق/ ۱۹۹۵م.
- ابن فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، قم، دليل ما، ۱۴۲۳هـ.ق.
- ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة، تصحيح علي شيري، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰هـ.ق/ ۱۹۹۰م.
- همو، المعارف، تحقیق ثروت عکاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲م.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، قم، رضی، ۱۴۲۱هـ.ق.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسين، مقاتل الطالبیین، تصحيح سيد احمد صقر، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- انصاری، حسن، کانال تلگرامی حسن انصاری، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷ (مطلب مربوط به کتاب مؤتمر علماء بغداد).
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تصحيح محمد زهير بن ناصر الناصر، دارطوق النجاة ۱۴۲۲هـ.ق.
- بلاذری، احمد بن يحيى بن جابر، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷هـ.ق/ ۱۹۹۶م.
- بهرامیان، علی «اصحاب حدیث و مسأله تاریخ نیم سده اول هجری»، نامه پژوهش، ش ۴، بهار ۱۳۷۶ش، ص ۳۳۱-۳۴۰.
- جباری محمد رضا؛ حسین پور، سید علی؛ «تاریخ و ترتیب حوادث منتهی به شهادت حضرت زهرا»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال دهم، شماره دوم، ۱۳۹۲هـ.ش، ص ۷۵-۱۰۰.
- جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ش.

- الجوهري، ابوبکر، السقیفه و فک، به کوشش باسم مجید الساعدي، كربلاء، العتبة الحسينية المقدسية، ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م.
- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله، فضائل فاطمة الزهرا علیها السلام، تحقیق و ترجمه محمود نعمتی، تهران، نشر سخن، ۱۳۹۶.ش.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳.ق.
- سبط بن جوزی، شمس الدین ابوالمظفر، تذکرة الخواصر، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸.ق.
- سلطانی، مجتبی و دیگران، «نقد و بررسی گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الكبرى ابن سعد (د. ۲۳۰ق)»، شیعه پژوهی، ش ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۸۶-۱۱۲.
- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تصحیح علاء الدین موسوی، تهران، مؤسسة البعثه، ۱۴۰۷.ق.
- همو، اسرار آل محمد علیهم السلام (کتاب سلیم بن قیس الهلالی)، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۵.ش.
- سید حمیری، اسماعیل بن محمد، دیوان السید الحمیری، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۹م / ۱۴۲۰ق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۴.ش.
- صدر، محمد باقر، فدک در تاریخ، ترجمه محمود عابدی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۰.ش.
- طبرانی، سلیمان بن حمد بن ایوب، المعجم الكبير، تصحیح حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره، مكتبة ابن تیمیه، بی تا.
- طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.ق / ۱۹۶۷.م.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷.ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر المرتضی، ۱۴۰۳.ق.
- طوسی، أبی جعفر محمد بن الحسن، تخلص الشافی، تصحیح سید حسین بحر العلوم، نجف، بی نا، ۱۳۸۳.ق.

- عاملی، جعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، بيروت، دارالسيّره، ۱۴۱۸ هـ.ق/۱۹۹۷ م.
- عبدالله بن يزيد فزاري، ابو محمد، *كتاب الردود*، ليدن، بريل، بی تا.
- قاسم بن سلام، ابو عبید، *كتاب الاموال*، به کوشش خليل محمد هراس، بيروت، دار الفكر، بی تا.
- قاضي نعمان مغربي، ابو حنيفه نعمان بن محمد تميمي، *الأرجوزة المختارة في الإمامة*، فرانسه، دار بيبليون، بی تا.
- کاظم بيگي، محمد علی؛ مصطفی گوهری فخرآباد، «نگاه اهل حدیثی ابن سعد به تاریخ صدر اسلام: بررسی موردی شرح حال امام علی عليه السلام در کتاب الطبقات الكبرى»، *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش، ص ۵۷-۸۴.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الكافي*، تحقیق مرکز بحوث دارالحدیث، قم، نشر دارالحدیث، ۱۴۳۰ هـ.ق.
- مادلونگ، ویلفرد، *جانشینی حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم*، ترجمه احمد نمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶.
- مدرسی طباطبایی، حسین، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، مترجم سید علی قرائی، رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ ش.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، *التنبيه والإشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دارالصاوی، بی تا.
- همو، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، *صحيح مسلم*، محقق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، داراحياء التراث العربی، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- همو، *الجمل*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

- مقاتل بن عطیه، ابی الهیجاء شبل الدوله، مؤتمر علماء بغداد، قم، موسسه انصاریان للطباعة والنشر، ۱۴۳۲ هـ. ق. ۲۰۱۱ م.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بورسعید، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
- منقري، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاہرہ، المؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ هـ. ق.
- نباطی، علی، الصراط المستقیم إلى مستحقي التقديم، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ هـ. ق.
- یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر، بی تا.
- Klemm, Verena, "Fāṭima bt. Muḥammad", Encyclopaedia of Islam, THREE, Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John Nawas, and Everett Rowson, Consulted online on 30 August 2022 http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_27039.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۲،

تابستان ۱۳۹۹

۲۶